

نقش خوارج در شهادت امیرمؤمنان

<?xml encoding="UTF-8">

چکیده

این مقاله به چگونگی پیدایش خوارج، معانی لغوی و اصطلاحی این واژه، نقش این گروه در شهادت امیرمؤمنان و شبهات مربوط به آن پرداخته است که درضمن بحث به صورت گذرا به برخی از عقاید این گروه اشاره می شود. همچنین تلاش شده است، با استفاده از منابع دست اول تاریخی، عاملان شهادت امام علی معرفی شده و این مسئله مورد تجزیه و تحلیل قرارگیرد.

مقدمه

پیدایش فرقه «خوارج» که به ظاهر درجنگ «صفین» شکل گرفت، زخم تازه ای بر پیکر جامعه اسلامی بود. این گروه متعصب و پرخاشگر که نقاب تقوا و دینداری بر چهره داشت، با عقاید و باورهای عجیب و دور از منطق خود، همواره برای حکومت نو پای امیر مؤمنان، علی (ع) مشکل ساز بودند و پی در پی فتنه انگیزی می کردند و مشکلات زیادی برسر راه حاکمیت اسلام پدید آوردند؛ از این رو امام که آنها را مردمی کم عقل و آلت دست شیطان می دانستند،

طی مراحل مختلف برخوردهای متفاوتی با آنان داشت و ضمن بیان نظر صریح اسلام درباره حکمیت و برخی مسایل دیگر، توانست گروهی بی غرض از این بی خردان را از سراشیبی سقوط نجات دهد، ولی دسته ای دیگر که همچنان بر لجاجت و عصیان خود اصرار می ورزیدند، درنبردی سخت با سپاهیان اسلام به هلاکت رسیدند و باقی ماندگان این گروه با هم فکری هم دستان خویش، توطئه قتل امیر مؤمنان را پی ریزی کردند که متأسفانه دراین توطئه شوم موفق شدند.

به دلیل اهمیت موضوع و ماندگاری این افکار پلید درتاریخ اسلام و نیز دورنگه داشتن جامعه اسلامی از این تفکرانحرافی، دراین نوشته تلاش شده است تا ضمن شناسایی فرقه خوارج، نقش آنان درشهادت امام علی (ع) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ امید است مرضی مولای متقیان واقع شود.

خوارج در لغت

بررسی دقیق واژگان «خوارج» و «خارجی» در فرهنگ های لغت (1) نمایان گر این نکته مشترک است که کلمه خوارج از فعل لازم خَرَجَ، یَخْرُجُ، خُرُوجاً مشتق می شود و به معنای بیرون رفتن است. این کلمه اگر با «علی» متعدی شود، دو معنای نزدیک به یکدیگر دارد: 1. در مقام پیکار و جنگ برآمدن؛ خَرَجَ عَلَيْهِ أَيْ بَرَزَ لِقَاتِلِهِ؛ آماده جنگ شد. 2. تمرد و شورش؛ خَرَجَتِ الرَّعِيَّةُ عَلَى الْمَلِكِ أَيْ تَمَرَّدَتْ؛ ملت علیه شاه طغیان کرد. معادل فارسی خوارج، واژه شورشیان است که از خروج به معنای دوم گرفته شده و مفهوم سرکشی در آن نهفته است؛ بنابراین، شورشیان و مخالفان حاکم وقت را «خارجی» می نامند.

در اصطلاح خوارج به گروهی از مخالفان کتاب و سنت اطلاق می شود که در نبرد صفین علیه امام علی بن ابی طالب شورش کردند و با عقایدی مخصوص در «حروراء» (2) ساکن شدند، به علت خروجشان بر ضد امام واجب الاطاعه اسم «خوارج» برانزده قامت آنها شد. گروه پرخاش گری که در جنگ صفین، نخست پذیرش حکمیت را بر امیرالمؤمنین، علی خلیفه شرعی و قانونی وقت مسلمانان تحمیل کردند؛ سپس با وی به مخالفت برخاستند. گفتنی است: اگرچه در اصطلاح، متبادر از لفظ خوارج نزد مسلمانان، گروهی هستند که در اثنای جنگ صفین بر امام علی خروج کردند، ولی امروزه «اباضیان» (3) را نیز خوارج می نامند.

برخی از عقاید خوارج

خوارج حضرت علی را به دلیل پذیرش حکمیت کافر قلمداد کردند، اینان هر فردی را که راضی به این کار بود، از دین بیرون دانستند. خلافت ابوبکر، عمر، نیمه اول خلافت عثمان و تا اواخر حکومت علی (قبل از پذیرش حکمیت) را باور داشتند و معاویه، عمروعاص و ابوموسای اشعری را نیز تکفیر می کردند (4) و پس از حضرت علی با خلفای اموی و عباسی نیز مخالفتی شدید داشتند؛ به خصوص از بنی امیه با دشنام های زشتی یاد کرده، همواره با آنان درگیر بودند.

این گروه به ظاهر اندک، با عقاید منحصر به فردشان پیوسته برای جامعه اسلامی مشکل ساز می شدند؛ آنان مرتکب گناه کبیره و حتی مخالفان عقاید خویش را کافر می شمردند و خروج بر امام ستم گر (به زعم خویش) را واجب می پنداشتند.

این گروه به دلیل جمود، تحجر فکری، جهل علمی و جهالت عملی، ناخواسته حکومت را به سوی معاویه سوق دادند و هنگام باز گشت امام علی از صفین به کوفه از لشکر آن حضرت جدا شده، با جمعیتی دوازده هزارنفری در حروراء اردو زدند و دیری نپایید که به راهزنی و فتنه انگیزی روی آوردند. امیرمؤمنان پیوسته با فرستادن سفیرانی آنها را به هدایت دعوت می کردند، ولی متأسفانه مؤثر نمی افتاد؛ ازاین رو چاره ای جز درگیری با آنان ندیدند. به هر روی، فتنه خوارج با اتمام جنگ «نهروان» (5) به ظاهر پایان پذیرفت. خطر فتنه گری آنها در ضربه زدن به اسلام و مسلمانان به اندازه ای بود که امام پس از رویارویی با آنها فرمودند: «فَإِنِّي فَقَّأْتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ» (6) این من بودم که چشم فتنه را در آوردم.

خوارج و شهادت امام علی (ع)

گرچه ردپایی از خارجیان را می توان در زمان پیامبراکرم (ص) مشاهده کرد (7) ولی اینان در جریان نبرد صفین قدرت بروز پیدا کرده و جریان حکمیت را بر امام علی (ع) تحمیل کردند؛ آنها بعد از ماجرای ننگین دآوری حکمین و خیانت عمروعاص و ابوموسای اشعری، همواره در پی فرصتی بودند تا به علی (ع) ضربه ای وارد کنند؛ درست به همین علت جنگ نهروان را بر حضرت تحمیل کردند، دراین نبرده که بنابه پیشگویی امام کمتر از ده نفر از خوارج جان سالم به در بردند (8) بقیه به خاک نگویند بختی سرازیر شدند.

باقی ماندگان از این گروه در پی نقشه ای برای قتل امام علی (ع) بودند، تا اینکه به گفته بسیاری از تاریخ نگاران گروهی از خوارج بعد از شکست های مفتضحانه، توطئه ای بزرگ را پایه ریزی کردند که به قتل حضرت علی (ع)

انجامید؛ آنان، در موسم حجّ سال 39 (ه. ق) در مکه گردآمدند و درباره زمامداران به بحث پرداختند و از اعمال و رفتارشان انتقاد کردند و برای کشتن آنان نقشه کشیدند. آنها با یادآوری کشته های خود در نهروان برای آنان اشک ماتم ریختند و معتقد بودند که دنیا دیگر برایشان خیری ندارد و باید در راه خدا جانشان را بفروشند!

سرانجام، اینان به این نتیجه رسیدند که همه فتنه ها از علی بن ابی طالب، معاویه بن ابی سفیان و عمرو بن عاص برمی خیزد و باید امت اسلام را از دست این پیشوایان گمراهی نجات داد تا جامعه اسلامی طعم خوشی و راحتی را بچشد؛ از این رو سه خارجی متعصب داوطلب اجرای این نقشه شدند؛ عبدالرحمن بن ملجم مرادی (9) قتل علی (ع) را به عهده گرفت و بزرگ بن عبیدالله تمیمی کشتن معاویه و عمرو بن بکر تمیمی قتل عمروعاص را پذیرفتند و ضمن هم قسم شدن با یکدیگر پیمان بستند که در شب نوزدهم ماه رمضان سال چهل هجری (10) این نقشه را عملی کنند، سپس هر یک راهی مقصد خود شدند. (11)

بزرگ بن عبیدالله در شام توانست شمشیری بر ران معاویه فرود آورد و او را مجروح کند و به گفته برخی تاریخ نگاران، معاویه با این ضربت تا ابد مقطوع النسل گردید (12) ولی عمرو بن بکر در مصر موفق به ترور عمروعاص نشد؛ زیرا عمرو به جهت درد شکم، در آن صبحدم به نماز حاضر نشد و به جای خود خارجه بن حذافه رئیس داروغه را برای اقامه نماز فرستاد که وی با شمشیر عمرو بن بکر از پا درآمد (13) و بدین صورت، عمروعاص از این حمله جان سالم به در برد.

ابن ملجم نیز به کوفه آمد و با دوستان خارجی خود ملاقات کرد، ولی آنان را از قصد خود آگاه نساخت، تا اینکه روزی با گروهی از قبيله «تیم الرباب» ملاقات نمود که برای کشته شدگان خود در نهروان نگران بودند. در همین روز وی با دختری بنام «قطام» آشنا شد که سرآمد جمال و زیبایی بود و پدر و برادرانش در نهروان کشته شده بودند. زاده ملجم، عاشق این دختر شد و به وی پیشنهاد ازدواج داد، ولی قطام یکی از شرطهای ازدواج با او را قتل امام علی (ع) قرار داد. (14)

بدین ترتیب ابن ملجم از کتمان قصد خود دست کشید و گفت که برای اجرای همین کار به کوفه آمده است؛ سپس با همدستی وردان بن الماجد تمیمی (پسرعموی قطام) و شیبب بن بجره و فردی که از طرف عمروعاص وکیل بود و نوشته ای صد هزار درهمی در دست داشت و تحریکات اشعث بن قیس، در سحرگاه نوزدهم رمضان سال چهل هجری آن حادثه غم انگیز را در محراب مسجد کوفه آفرید و مولای متقیان را به شهادت رساند و بدین صورت، خوارج در این مرحله از توطئه خویش خون امام (ع) را در محراب عبادت ریختند. (15)

درخور تأمل است: به گفته برخی تاریخ نویسان، ابن ملجم با شعار «الحکم لله یا علی لا لک»؛ حکم فقط از آن خداست نه از طرف تو ای علی!، شمشیرش را مقابل امام (ع) بلند کرد؛ یعنی هنوز بر عقیده خارجی گری خود باقی بوده است. (16)

شناسایی قاتلان واقعی امام

دراین جا مناسب است درباره عمق فتنه قتل امیرمؤمنان (ع) موشکافی کنیم و از زاویه ای دیگر به این حادثه غم انگیز بپردازیم.

در نگاهی سطحی، به نظر می رسد، سه نفر خارجی در اقدامی شخصی توطئه ترور حضرت علی (ع)، معاویه و عمروعاص را پی ریزی کردند و حضرت هم به دست ابن ملجم کشته شد، ولی با ژرف نگری درمی یابیم که این توطئه از سوی گروه خوارج بود که به دست این سه نفر عملی شد؛ زیرا:

اولاً: بیشتر روایات تاریخی بر این واقعیت تأکید دارند که گروهی از خوارج در مکه گرد هم آمده، این توطئه را پایه ریزی کردند و این سه نفر داوطلب اجرای نقشه شدند؛ تاریخ نوپسان، ضمن ثبت اجتماع این گروه در مکه، تصریح کرده اند که اینان از خوارج بوده اند. (17)

ثانیاً: به نقل بیشتر تاریخ نگاران، ابن ملجم جزء همان سه نفر خارجی است که از جنگ نهروان جان سالم به در بردند.

ثالثاً: همچنان که گذشت، خوارج کوفه وقتی از قصد ابن ملجم آگاهی یافتند، از وی پذیرایی کردند و به او در این کار شوم یاری رساندند.

رابعاً: تکرار شعار معروف خوارج از زبان ابن ملجم در لحظه فرود آوردن شمشیر بر فرق امام علی (ع)، دلیل دیگری بر خارجی بودن قاتل امام است.

با وجود این شواهد، برخی از محققان، ضمن نفی هر گونه نشستی از خوارج در مکه و ترغیب سه نفر برای قتل حضرت علی (ع)، معاویه و عمرو عاص، می نویسند: «بر فرض صحّت این مطلب، این سه نفر داوطلب، اصلاً جزء خوارج نیستند و انتساب آنها به خوارج درست نیست». (18)

اینان، اشعث بن قیس و معاویه بن ابی سفیان را در توطئه قتل امام علی (ع) متهم کرده، می نویسند: «خوارج، ابن ملجم را بر این کار ترغیب نکردند؛ بلکه آنها از کشتن علی مبرا هستند؛ در حالی که اشعث، بعد از شهادت علی همیشه تلاش می کرد تا خوارج را به این کار متهم کند و در این راه، گام های مؤثری برداشت و توانست تا حدودی نزد افکار عمومی، خوارج را قاتلان اصلی امام معرفی کند». (19)

در جواب این شبهه باید گفت:

اولاً: در منافع بودن اشعث و ارتباط مخفیانه وی با معاویه تردیدی نیست، ولی همه اسناد دست اول تاریخی، قاتل علی (ع) را از خوارج می دانند؛ خوارج به دنبال کینه ای که از امام (ع) در جریان حکمیت و سپس در جنگ نهروان بر دل داشتند، او را مهدورالدم دانسته، سرانجام خون پاکش را در محراب مسجد کوفه ریختند و چنان که گذشت، شعار ابن ملجم در هنگامه به شهادت رساندن حضرت امیر (ع) همان شعار همیشگی و معروف خوارج بود.

ثانیاً: گرچه معاویه آرزوی قتل علی (ع) را در دل داشت، ولی طبق شواهد تاریخی، وی از توطئه شوم سحرگاه نوزدهم رمضان بی خبر بود و زمانی که «برک بن عبیدالله» را بعد از ترور نافرجام معاویه نزد وی آوردند، او جهت رهایی از بند معاویه راز پلید خود و همدستانش را در قتل حضرت علی (ع) و عمرو، فاش کرد و با این خبر، سرتاپای معاویه غرق در سرور و شادی شد؛ پس فرزند ابوسفیان از توطئه قتل امام علی (ع) بی خبر بوده است. اگرچه بعداً معاویه همیشه سعی داشت تا مقام معنوی ابن ملجم را بالا ببرد؛ به طوری که با اهداء چهار هزار درهم به سمرة بن جندب، از وی خواست تا آیه 207 سوره بقره (20) را در شأن ابن ملجم تفسیر کند؛ (21) در حالی که به شهادت مفسران شیعه و سنی، این آیه در شأن و منزلت حضرت علی (ع) نازل شده بود. (22)

بررسی مجموع شواهد تاریخی نشان می دهد که توطئه قتل امیرمؤمنان (ع) کاری فردی نبود؛ بلکه عملی از پیش طراحی شده بود که بزرگان خوارج در ترسیم آن نقش بسزایی داشتند و ابن ملجم فقط مجری این طرح بود؛ برای اثبات این ادعا شواهد گوناگون تاریخی در دست است؛ مانند:

1. ابن ابی الحدید اشعاری را از خوارج نقل می کند که به روشنی شرکت آنها را در قتل امام (ع) تأیید می کند:

دَسَسْنَا لَهُ تَحْتَ الظَّلَامِ ابْنَ مُلْجَمٍ
 جزاء إذا ما جاء نَفْسًا كِتَابُهَا
 أَبَاحَسَن خُذْهَا عَلَى الرَّأْسِ ضَرْبَةً
 بِكَفِّ كَرِيمٍ، بَعْدَ مَوْتِ ثَوَابُهَا؛ (23)

یعنی ما خوارج در تاریکی شب به دست ابن ملجم با دسیسه هایی سرنوشت علی را هنگامی که اجل او فرارسید رقم زدیم. ای علی! از دست ابن ملجم کریم ضربه ای را برسرت پذیرا باش که ثواب آن در گرو قتل تو است.
 2. طبری نیز شعری را از ابن ابی میاس مرادی نقل می کند که دال بر شرکت خوارج در این توطئه است:

وَنَحْنُ ضَرْبِنَا يَا لَكَ الْخَيْرُ حَيْدَرَا
 أَبَاحَسَن مَأْمُومَةً فَتَقَطَّرَا
 وَنَحْنُ خَلَعْنَا مُلْكَهُ مِنْ نِظَامِهِ
 بِضَرْبَةِ سَيْفٍ إِذْ عَلَا وَتَجَبَّرَا
 وَ نَحْنُ كَرَامٌ فِي الصَّبَاحِ أَعَزَّةٌ
 إِذَا الْمَوْتُ بِالْمَوْتِ ارْتَدَّى وَ تَأَزَّرَا (24)

یعنی ای اباالحسن، حیدر! این ما (خوارج) بودیم که فرق سرت را دو نیم کردیم و شکافتیم؛ ما بودیم که رشته سلطنت علی را هنگامی که تکبر و عصیان ورزید با ضربه شمشیری از نظامش پاره کردیم. ما در هنگامه صبح، گرامی و عزیزیم؛ هنگامی که مرگ جز با مرگ پاسخ داده نمی شود (بنابراین ما انتقام خود را گرفتیم).
 این اشعار حماسی که توسط شاعران خوارج ایراد شده است، شاهد روشنی بر مدعای ماست که خوارج از طراحان اصلی قتل امام (ع) بوده اند و پاداش خود را در گرو قتل آن حضرت می دانستند و همواره بر آن فخر می کرده اند.

3. یکی از مواردی که شرکت خوارج را در شهادت امام تأیید می نماید، ماجرای دفن شبانه جنازه مطهر امام (ع) و مخفی کردن قبر اوست؛ به طوری که فرزندان امام علی (ع) از بیم آنکه مبادا جنازه حضرت به دست خوارج بیفتد و توهینی نسبت به آن روا دارند، بدن مطهر پدرشان را شبانه به خاک سپردند و قبر آن حضرت را نیز مخفی نگاه داشتند و درباره محل دفن سخنانی مختلف گفتند. (25)

4. ابن ملجم در کوفه با فردی به نام شبیب بن بجره ملاقات کرد و وی را به همکاری در قتل علی (ع) دعوت کرد، اما او نپذیرفت و قرابت و خویشاوندی امام با پیامبر و سابقه حضرت در اسلام را پیش کشید، ولی زاده ملجم در پاسخ گفت: او برادران ما را کشت؛ ما هم به جهت انتقام خون برادران خویش، علی را می کشیم. در نهایت، شبیب با ابن ملجم همکاری کرد. (26)

5. در گفت و گوی ام کلثوم، دختر امام علی (ع) با ابن ملجم، ام کلثوم به وی گفت: چرا امیرالمؤمنین را کشتی؟ ابن ملجم در جواب گفت: من امیرالمؤمنین را نکشتم؛ بلکه پدرت را کشتم! (27)

از مجموع این شواهد در می یابیم که اولاً ابن ملجم، بر اساس همان عقاید خارجی گری امام (ع) را به شهادت رساند. ثانیاً شرکت خوارج و آلوده بودن دست بیشتر آنان در این توطئه شوم تأیید می گردد. ثالثاً گفتار برخی از معاصران در این زمینه، طرفداری کورکورانه ای است که از عدم تحقیق و تفحص برمی خیزد و ادعای مبرا بودن خوارج در شهادت امیرمؤمنان (ع) ادعایی گزاف و بی اساس است.

به نقل ابن کثیر: «اصحاب امام علی (ع) به دلیل ترس از خوارج هر شب ده نفر مسلح، در مسجد برای حفظ جان امیرمؤمنان (ع) نگهبانی می دادند و حضرت در ملاقات با آنها فرمود: چرا در اینجا اجتماع کرده اید؟ جواب دادند: برای حفظ جان شما، امام (ع) فرمود: خداوند نگهبان خوبی برای من است و برای حفاظت هر فردی دو فرشته را مأمور کرده است؛ هنگامی که قضا و قدر الهی فرا رسد، آن دو این شخص را رها می کنند». (28)

سرانجام در واپسین ساعات شب نوزدهم ماه مبارک رمضان، خوابی بر چشمان امیرمؤمنان (ع) مستولی شد و ایشان پیامبر اکرم (ص) را در خواب دیدند و از نامهربانی ها و لجاجت امت، به آن حضرت شکایت و رنج هایی را که از مسلمانان دیدند، بیان کردند:

مَلَكْتَنِي عَيْنِي وَ أَنَا جَالِسٌ فَسَنَحَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَاذَا لَقِيتُ مِنْ أَمَّتِكَ مِنَ الْأَعْوَدِ وَاللَّدِّ فَقَالَ: «أُذِعُ عَلَيْهِمْ» فَقُلْتُ: أَبَدَلَنِي اللَّهُ بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ أَبَدَلَهُمْ بِي شَرًّا لَهُمْ مِنِّي؛ (29)

همان گونه که نشسته بودم، خواب چشمانم را ربود و رسول خدا (ص) را دیدم؛ پس گفتم ای رسول خدا! از امت تو چه تلخی ها دیدم و از لجبازی و دشمنی آنها چه کشیدم! پیامبر (ص) فرمود: نفرینشان کن. گفتم: خدا بهتر از آنان را به من بدهد و به جای من شخص بدی را بر آنها مسلط گرداند.

آری، شکوه ها و رنج های امام (ع) از امت به شکل نفرین درآمد و بعد از حضرت با واقعیت گره خورد و معاویه ها، ابن زیادها و حجاج ها و... بر همین ملت مسلط شدند و روز روشن را چون شب برای آنان تیره و تار کردند! در حالی که مولای متقیان (ع) در بهشت برین همنشین رسول اکرم (ص) گردید.

در نهایت، دعای امام مستجاب شد و در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان سال چهل هجری همای سعادت بر دوش امیرمؤمنان (ع) نشست و آن حضرت با انبوهی از گلایه های ناگفته به سرای باقی شتافت.

آری، علی (ع) قهرمان بزرگی که از معرکه های مرگبار و جنگ با مشرکان و یهود، پیروزمندانه برگشت و از جبهه ناکثین خطرناک و قاسطین نیرومند فاتحانه برگشت سرانجام به دست مارقین به شهادت رسید؛ (وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا). (30)

پی نوشت ها :

1. کتاب العین، ج 4، ص 158 و 159 لسان العرب، ج 4، ص 52 و 53؛ تاج العروس، ج 2، ص 30؛ مجمع البحرین، ج 2، ص 294؛ مقاییس اللغة، ج 2، ص 175 و 176؛ المنجد، ص 173.
2. «حروراء» نام دهکده ای است بیرون شهر کوفه که نخستین مکان اجتماع خوارج علیه امام علی (ع) بود (معجم البلدان، ج 2، ص 286).
3. «اباضیه» طرفداران عبدالله بن اباض تمیمی هستند که معتدل ترین گروه از خوارج اند و تندروی های معمول خوارج را ندارند. هم اکنون این مذهب طرفدارانی در کشورهای مغرب، عمان و مراکش دارد (خوارج در تاریخ، ص 189 و 190).
4. مقالات الاسلامیین، ج 1، ص 180.
5. نهروان به منطقه پهناوری اطلاق می شود که میان بغداد و واسط در شرق دجله قرار دارد. دارای شهرها و آبادی های متعدد و از زیباترین مناطق بغداد است که شامل سه رود بالایی، وسطی و پایینی است. اسم فارسی آن «جوروان» بود که معرّب به «نهروان» شد، این سرزمین چون در راه بغداد به خراسان قرار داشت بسیار آباد بود،

اما در زمان سلجوقیان خراب شد (معجم البلدان، ج 5، ص 375) .

6. نهج البلاغه، خطبه 93.

7. جهت اطلاع بیشتر، ر:ک: المیزان، ج 9، ص 319؛ مجمع البیان، ج 5، ص 63؛ الکشاف، ج 2، ص 281؛ تفسیر نمونه، ج 7، ص 454؛ الملل و النحل، ج 1، ص 115؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 2، ص 266؛ بحار الانوار، ج 22، ص 37 و 38؛ صحیح مسلم، ج 2؛ کتاب الزکات، ص 750 - 743، ح 148، 147، 158 و 156.

8. نهج البلاغه، خطبه 59.

9. جهت آگاهی از سرگذشت و روایات این فرد، ر:ک: خوارج، تندیس فتنه، اثر نگارنده، انتشارات میراث ماندگار، قم، چاپ اول، تابستان 1383.

10. طبری و بلاذری، این شب را هفدهم رمضان سال 42 (هجری) می دانند.

11. تاریخ الامم و الملوک، ج 4، ص 110؛ أنساب الاشراف، ج 2، ص 490؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 311.

12. انساب الاشراف، ج 2، ص 490.

13. همان، ص 490 و 491.

14. مهریه قطام، غیر از قتل امام علی (شامل یک بنده، یک کنیز و سه هزار درهم بود؛ همچنان که ابن ابی میاس مرادی در شعر خویش بدان اشاره کرده است:

وَلَمْ أَرْ مَهْرًا سَاقَهُ دُوسَمَاحَةً كَمَهْرِ قُطَامٍ مِنْ فَصِيحٍ وَأَعْجَمٍ

ثَلَاثَةُ آلَافٍ وَ عَبْدٌ وَ قَبِيْئَةٌ وَضَرَبَ عَلِيٍّ بِالْحُسَامِ الْمُضَمَّمِ

فَلَا مَهْرَ أَغْلَى مِنْ عَلِيٍّ وَإِنْ عَلَا وَ لَأَفْتَكُ إِلَّا دُونَ فَتَكِ ابْنِ مَلْجَمِ

درمیان تمامی عرب و عجم هیچ فرد بخشنده ای را ندیدم که همانند مهریه قطام بپردازد: سه هزار درهم، یک

غلام و یک کنیز و کشتن علی (ع) با شمشیر بران. هیچ مهریه ای هر چند گران مایه باشد، بالاتر از قتل علی

نیست و هیچ جنایتی بدتر از جنایت ابن ملجم نیست (بحار الانوار، ج 42، ص 267؛ تاریخ الامم و الملوک، ج 4، ص 116؛ الاخبار الطوال، ص 214؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 311؛ الارشاد، ج 1، ص 22) .

15. تاریخ الامم و الملوک، ج 4، ص 110 و 111؛ أنساب الاشراف، ج 2، ص 493 و 491؛ بحار الانوار، ج 42، ص 229 و 230.

16. بحار الانوار، همان آدرس؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 312؛ انساب الاشراف، ج 2، ص 493 - 491.

17. مناقب آل ابی طالب، همان آدرس؛ الكامل فی التاریخ، ج 3، ص 255؛ انساب الاشراف، ج 2، ص 487.

18. و 19. ر:ک: الخوارج هم انصار علی، چاپ الجزایر، 1403 ق / 1983م، اثر سلیمان بن داوود بن یوسف، ص 196 - 194.

20. وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ بعضی از مردم (با ایمان و فداکار،

همچون علی) در «لیلة المبيت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر جان خود را به خشنودی خدا می فروشد و خداوند به بندگان مهربان است.

21. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 4، ص 73.

22. مجمع البیان، ج 1، ص 535؛ المیزان، ج 1، ص 100؛ التفسیر الکبیر، ج 6، ص 174؛ روح المعانی، ج 1، ص 492.

23. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 241.

24. تاريخ الامم و الملوك، ج 4، ص 115 و 116 شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، ج 5 ص 185 با اندكى اختلاف.
25. تاريخ الخلفاء، ص 196؛ أنساب الاشراف، ج 2، ص 497.
26. تاريخ الخلفاء، ص 196؛ أنساب الاشراف، ج 2، ص 491.
27. أنساب الاشراف، ج 2، ص 495 ؛ بحار الانوار، ج 42، ص 231 ؛ الاخبار الطوال، ص 214.
28. البداية والنهاية، ج 8، ص 13 و 14.
29. نهج البلاغه، خطبه 70.
30. سوره مريم، آيه 15.